

با مردم تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷۷

افزایش عوارض نوسازی، شهروندان یزدی را شوکه کرده‌است وچند روز پیش پیامک ح‌ساوی اطلاعات عوارض نوسازی، به شهروندان یزد ارسال شد. نکته قابل توجه و عجیب، افزایش بی‌سابقه نرخ عوارض و خدمات پسماند است. یعنی مبلغی بیش از ۶۰۰ هزار تومان!
ادرا این شرایط بدمعاشتی و رکود بازار و مشکلات داخلی کشور، اخذ این مبالغ از مردم بی‌انصافی است.

حلاتی از یزد
پرداخت تسهیلات تکلیفی نمی تواند مشکل مسکن را حل کند

مسئولان کنونی فکر می‌کنند با پرداخت تسهیلات تکلیفی می‌توانند مشکل مسکن را حل کنند اما مشکل اینجاست که بسیاری از بانک‌ها نمی‌توانند به این دستور و تکلیف دولت عمل کنند. گذشته از این، ارقام این وام‌ها به گرد تورم نمی‌رسد.در گذشته وام خرید بخش عمده‌ای از قیمت مسکن را تأمین می‌کرد اما حالا شاید تنها بتواند بخشی از مبلغ ودیعه را پوشش دهد!
را‌حل مشکل مسکن قطعا با دستور و تکلیف و اجبار نیست و باید فکری اساسی برای آن کرد.

خدا بنده لوله از کرج
وضفیت زیر ساخت‌ها و امکانات جاده‌ای یاسوج مناسب نیست
شهر یاسوج مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد است و هر ساله پذیرای گردشگران زیادی از نقاط مختلف کشور برای بازدید از جاذبه‌ها، مکان‌های دینی و ظرفیت‌های گردشگری این شهر است. با این حساب قاعدتا باید زیرساخت‌ها و امکانات مربوطه در شهر یاسوج فراهم باشداما متأسفانه وضعیت سد‌انداز، چاله‌ها و آسفالت خیابان‌ها و محله‌های شهر، تردد مسافران و همینطور اهالی این شهر را مشکل و آنها را به‌شدت گلایه‌مند کرده‌است.با این وضعیت تا تعداد گردشگران که مرور کاسته می‌شود و متعاقب آن بخشی از اقتصاد شهر کم از رونق می‌افتد.

وفایی از یاسوج
ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۹۱۶

بانک‌ها به عناوین مختلف، بخشی از وام را بلوکه می‌کنند
مسدود شدن بخشی از مبلغ وام از سوی بانک، مشتریان را با مشکلات فراوانی روبه‌رو کرده‌است. این در حالی است که بانک مرکزی بلوکه کردن بخشی از وام یاخذ سپرده به‌عنوان وثیقه نقدی را ممنوع کرده‌است. اما برخی بانک‌ها با عناوین دیگر چون «ضمانت ریالی» بخشی از وام یا سپرده متقاضیان را بلوکه می‌کنند.
چندی قبل نیز دیوان عدالت اداری حکمی مبنی بر هماهنگی مبالغ مسدودی از جانب بانک مسکن ابلاغ کرد ولی متأسفانه بعد از چندبار مراجعه، مسئولان این بانک زیر بار این قضیه نرفته و اقدام به آزادسازی پول مسدودی نکردند. همه می‌دانیم مردم از روی ناچاری اقدام به اخذ تسهیلات می‌کنند آن هم اغلب با سود بالای ۱۸ درصد.
چطور بانک‌ها می‌توانند از دستور و حکم بانک مرکزی و دیوان عدالت اداری تخلفی کنند؟

سرلک از تهران
بر خورد سلیقه‌های مسئولان برای ارائه تسهیلات لیزینگی فرهنگیان
طرح مستمر خرید لوازم خانگی و کالای دیجیتال از طریق ارائه تسهیلات، ویژه اعضای صندوق ذخیره فرهنگیان از تاریخ ۱۴۰۱ دیپهشت ۱۴۰۱ در سراسر کشور آغاز شده‌است. به‌عنوان یک فرهنگ‌ی برای ثبت‌نام و استفاده تسهیلات وارد سایت لیزینگ شدیم، در ادامه بخشی از روند ثبت درخواست، منوط به اخذ تأییدیه از مسئول رفاه اداره بود. به مسئول مربوطه مراجعه کردم ولی ایشان عنوان کرد که چون سایت غیرفعال است امکان صدور تأییدیه نیستبا پشتیبانی لیزینگ تماس گرفتم و آنها خلاف گفته‌ایشان را بیان کردند و تأکید داشتند که سایت باز است و هیچ مشکلی هم وجود ندارد!حالامانده‌ام که حرف یک‌دام کار با باور کنم؟ چرا هنگام طراحی و راه‌اندازی سایت مسئول مستقیمی جهت رفع مشکلات احتمالی منصوب نمی‌شود؟

ربیعی از تهران
بزرگراه امام رضا(ع) مشکل‌ساز شده‌است
بزرگراه امام رضاع) به‌دلیل وجود چند شهرک صنعتی و شهرستان‌های بزرگ و کوچک در مسیرش بسیار پرتدد است. در واقع بیشتر، محل گذر صنعتگران و کارگران است در حالت عادی هم همیشه ترافیک دارد، مدتی است که مسئولان سامانه reg.iactc.ir ثبت‌نام به بهیازگی و تعویض روش آسفالت کرده‌اند. مشکل اینجاست که این کار در زمان مناسی انجام نمی‌شود وانجام این عملیات هر روز از اول صبح تا بعد از ظهر مسیر را با ترافیک سنگین چند ده کیلومتری مواجه می‌کند. این قبیل اقدامات باید هنگام شب با ساعاتی که کمترین میزان تردد صورت می‌گیرد انجام شود.

خوامان از تهران
معیار پذیرش در آزمون مشاوران مالیاتی مشخص نیست
پس از شرکت در آزمون مشاوران رسمی مالیاتی ایران در سال جاری، ایلتا پیامکی درخصوص پذیرشم در آزمون ارسال شد و در آن ذکر شده بود که برای تکمیل مدارک و ثبت‌نام نهایی در سامانه reg.iactc.ir ثبت‌نام کنید. بعد از چند روز مجددا پیام دومی دریافت کردم مبنی بر عدم‌پذیرش به‌دلیل پایین بودن امتیازم.
چطور ممکن است که معیار پذیرش آزمون طی چند روز تغییر کند؟چه کسی پاسخگوی این وضعیت است؟

شهروندی از تهران
جلوی استفاده از آب شرب در واحدهای خدماتی کرج را بگیرند
بیشتر واحدهای خدماتی مثل قالیبوشی‌ها یا کارواش‌ها در استان البرز، جهت ارائه خدمات خود از آب شرب استفاده می‌کنند. باید هر چه زودتر این مراکز به سیستم بازچرخانی پساب مجهز شوند تا هم از آب شرب استفاده نشود و هم شاهد هدر رفت پساب‌ها نباشیم.

جنایی
وقتی جوان مهندس گم شد، برادرش برای پیدا کردن ردی از او از شهر کرد راهی پایتخت شد، غافل از اینکه حادثه‌های هولناک انتظارش را می‌کشند. او که در جست‌وجوی برادرش به کارگاهی در شهرک صنعتی خاوران رسیده بود، وقتی برای بررسی دوربین‌های آنجا به کارگاه رفت قربانی شلیک مردی شد که چند روز قبل تر جان برادر گمشده او را گرفته بود.

به گزارش همشهری، اواخر این ماه مأموران پلیس در جریان تیراندازی در کارگاهی در شهرک صنعتی خاوران قرار گرفتند و راهی آنجا شدند. در جریان این تیراندازی جوان ۳۵ساله‌ای به نام ابراهیم بر اثر اصابت گلوله مجروح شده بود و عامل تیراندازی که یکی از کارگران کارگاه بود، توسط شاهدان دستگیر شده بود. ابراهیم به بیمارستان منتقل و تلاش پزشکان شهر کرد راهی تهران شده و در جست‌وجوی یافتن ردی از او به کارگاهی رسید.
بود که قاتل برادرش در آنجا کار می‌کرد و قاتل به تصور اینکه ابراهیم متوجه اسرار قتل برادرش شده و برای دستگیری وی آمده‌است، به او شلیک کرده و وی را رنیز به قتل رسانده بود.

اسرار جنایت
هنوز مشخص نبود که کار گر کارگاه با چه انگیزی‌ها به ابراهیم شلیک کرده بود
وقتی مأموران پلیس به تحقیق از پرداختند اسرار هولناکی فاش شد. بررسی‌ها نشان می‌داد که این مرد چند روز قبل تر، برادر ابراهیم به نام بهزاد را به ضرب گلوله به قتل رسانده و جسد او را به آتش کشیده بود؛ پس از این حادثه، ابراهیم که از ناپدید شدن برادرش نگران شده بود، از شهر کرد راهی تهران شده و در جست‌وجوی یافتن ردی از او به کارگاهی رسید.
بود که قاتل برادرش در آنجا کار می‌کرد و قاتل به تصور اینکه ابراهیم متوجه اسرار قتل برادرش شده و برای دستگیری وی آمده‌است، به او شلیک کرده و وی را رنیز به قتل رسانده بود.

در جست‌وجوی برادر
یکی از همکاران برادران کشته شده دربارهٔ پرونده عجیب به همشهری می‌گوید: بهزاد برادر کوچک‌تر ابراهیم بود. ما کارگاهی در شهرک صنعتی خاوران داشتیم و کارمان تعمیر دستگاه‌های صنعتی بود و خوشبختانه در مدت ۳سال توانسته بودیم مشتریان زیادی پیدا کنیم. وی ادامه می‌دهد: سه‌شنبه ۱۴آبان من و بهزاد در کارگاه بودیم و قرار بود فردای آن روز یک دستگاه صنعتی به کارگاه برسد. برای همین بهزاد زودتر رفت که هنگام رسیدن دستگاه به کارگاه برگردد و در خالی کرد بار کمک کند. اما روز بعد، وقتی خبری از او نشد، نگران شدم و با موبایلش تماس گرفتم. گوشی‌اش خاموش بود و نگرانی‌ام بیشتر شد. امکان نداشت که بهزاد جواب تلفنش را ندهد و یا این حال تا شب صبر کردم اما باز هم

۴نفر از ارادل و اوپاش سابقه‌دار که از سوی سرویس جاسوسی رژیم صهیونیستی برای همکاری اطلاعاتی و آدم‌ربایی اجبر شده بودند با قطعی شدن حکم اعدام‌شان صبح دیروز به دار مجازات اوخته شدند. به گزارش همشهری، به نقل از مرکز رسانه قوه قضاییه، اوایل امسال برخی شبکه‌های معاند مدعی شدند که افسران سازمان جاسوسی اسرائیل در ایران موفق به بازداشت و بازجویی یک نیروی جهادی وابسته به سپاه شده‌اند. تصاویری از این فرد در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که او به کارهایی که در حوزه فعالیتش نبود اعتراف می‌کرد. هنوز صحت و سقم این فیلم به درستی مشخص نشده بود تا اینکه کمی بعد و در خرداد ماه امسال روابط‌عمومی کل سپاه، دستگیری شبکه‌ای از ارادل و اوپاش و تربط با سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی با همکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت اطلاعات خبر داد.
شواهد نشان می‌داد دستگیر شدگان همان عوامل پشت پرده تهیه فیلم اعتراف هستند.

دستگیر شدگان چه کسانی بودند؟
براساس محتویات این پرونده امنیتی، متهمان از ارادل و اوپاش سابقه‌دار بودند و می‌دانستند که سفارش کارهای‌شان را از افرادی در خارج از کشور دریافت کرده و در قبال اقدامات ضدامتیعی که انجام می‌دادند از دیجیتال دریافت می‌کردند. اینها قاتل ۴ تیم عملیاتی به سررئیمی حسین اردوخان‌زاده معروف به زکریا و میلاد اشرفی با افسر مוסاد از تباط داشتند و دستورات او را اجرا می‌کردند.

ار تباط سر شبکه با مוסاد
اما سر شبکه تیم اول که از ارادل و اوپاش سابقه‌دار بود

حوادث

مرد جوان در جست‌وجوی برادر گمشده‌اش به قتل رسید

اسرار قتل ۲برادر در شهرک صنعتی



ابراهیم و بهزاد، مقتولان

خبری از او نشد. دیگر مطمئن نشده بودم که برایش اتفاقی افتاده است. رفتم آگاهی که گم شدن او را گزارش کنیم اما گفتند که باید اعضای خانواده‌اش حضور داشته باشند. برای همین با برادرش به نام ابراهیم تماس گرفتم و ماجرا را تعریف کردم و او گفت که تا صبح خودش را به تهران می‌رساند. ابراهیم ۲۵ساله از شهر کرد به سمت تهران حرکت کرد و روز پنجشنبه به شهرک خاوران رسید. او و همکار برادرش بهزاد، راهی اداره آگاهی شدند و ماجرای گم شدن وی را گزارش کردند. همکار بهزاد ادامه می‌دهد: در حالی‌که تحقیقات پلیس شروع شده بود، ابراهیم هم برای پیدا کردن ردی از برادرش وارد عمل شد. ۴،۲ روز به همراه ابراهیم و برادرم به‌دنبال بهزاد گشتم. اما هیچ خبری از او به‌دست نیامردیم. یک روز که من در شهرک صنعتی نبودم، برادرم تماس گرفت و گفت که می‌خواهد به همراه ابراهیم، برای چک کردن دوربین‌های مدارسته کارگاه‌های بالاتر بروند. آن روز آنها به کارگاهی رفتند که صاحب آنجا شریک سابق بهزاد بود. داخل کارگاه ۲کارگر حضور داشتند و وقتی برادرم وارد آنجا شدند و گفتند که می‌خواهند فیلم دوربین‌ها را ببینند، یکی از آنها به پنهان اینکه برادرم ماشین را جای بدی پارک کرده، از او خواست که آن را جابه‌جا کند. برادرم از کارگاه خارج شد اما ظاهر در همان لحظه، کارگر دیگری که داخل کارگاه بود با اسلحه به ابراهیم شلیک کرد و روی زمین افتاد. ده‌دقیقه بعد وقتی برادرم به داخل کارگاه برگشت و سراغ ابراهیم را گرفت، قاتل به او گفت که وی از کارگاه بیرون رفته‌است. اما برادرم در همان لحظه صدای ناله‌ای شنید و به ماجرا مشکوک شد. مرد جوان می‌گوید: برادرم چندبار از قاتل پرسید که صدای چیست و بعد خواست به‌دنبال صدای پرده که ناگهان

حکم اعدام ۴نفر از ارادل و اوپاش که نقشه‌های اسرائیل را در کشور اجرامی کردند اجرا شد

طناب دار بر گردن عوامل مוסاد

چگونه توانست با شبکه جاسوسی اسرائیل ارتباط بگیرد؟ حسین اردوخان‌زاده به‌مدت ۳سال، از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ به جرم قاچاق انسان از ترکیه به یونان، در زندان یونان به سر می‌برد و در آنجا با فردی به نام اوران که از نیز قاچاقچی انسان بود آشنا شد. مدتی بعد اوران به اردوخان‌زاده پیشنهاد داد که با هم‌دستی یکدیگر کار قاچاق انسان را ادامه دهند. در این بین بود که اردوخان‌زاده با شخصی به نام آریا که به‌عنوان کاپیتان شناخته می‌شد آشنا شد. آریا به اردوخان‌زاده پیشنهاد کرد که اگر تمایل داشته باشد کار خوبی سرراغ دارد که در آمد بالایی دارد. به این ترتیب اردوخان‌زاده به ایران برگشت تا اینکه شخص ناشناسی از طریق واتس‌اپ با او تماس گرفت و خودش را سیروس معرفی کرد. او که از افسران سازمان جاسوسی اسرائیل است گفت که شماره راز از آریا گرفته و شخصی به نام کارما می‌خواهد با او صحبت کند. کارما در این تماس چند جمله‌ای با اردوخان‌زاده صحبت کرد و گفت کار خوبی سرراغ دارد که جزئیاتش را سیروس توضیح می‌دهد. این تماس تلفنی شروع کار اردوخان‌زاده برای مוסاد بود.

برای عملی کردن ماموریت‌هایی که سیروس به اردوخان‌زاده می‌داد، او به همکاری چند نفر دیگر نیاز داشت. او چند نفر از دوستانش را که از ارادل و اوپاش سابقه‌دار بودند برای این کار استخدام کرد و سیروس نیز در چندین مرحله از طریق یک پول دیجیتال، برای خرید اسلحه و تجهیزات مورد نیاز به‌حساب او پول واریز کرد. سیروس به آنها دستورالعمل‌های حفاظتی ارائه کرده بود که چطور به‌طور امن با او در ارتباط باشند و از دید دوربین‌های مدارسته دور بمانند. آنها در چندین ماموریت که با دستور افسر مוסاد انجام می‌شد به اموال عمومی و خصوصی آسیب وارد کردند و دست به آدم‌ربایی زده

پلد نبودن رانندگی با بنز، نقشه آدم‌ربایی مردان مسلح را ناکام گذاشت

اعترافات عجیب آدم‌ربایان ناکام

که با سر و صدا و درخواست کمک صاحب بنز، شهروندان در آنجا جمع شدند و در این شرایط بود که مردان مسلح از تریس دستگیر شدن سوار یک پژو برپشای سفیدرنگ که متعلق به مرد جوان بنزسوار بود، داشت. آنجا چون نحوه رانندگی با این خودرو را نمی‌دانستند، در اجرای نقشه‌شان ناکام ماندند. به گزارش همشهری، عصر هشتم شهریورماه، پسر جوانی بعد از بیرون آمدن از باشگاه ورزشی‌اش در حوالی پارک سعادت‌آباد خودروی بنز گران قیمتش شد تا به خانه برود. او هنوز در ماشین ران نیستکه بود که یکباره ۴ مرد نفاقدار که مسلح به کلت کمری بودند به وی حمله کردند. یکی از آنها از پشت سر دستش را دور کردن جوان بنزسوار انداخت و دیگری نیز با اسلحه شروع به تهدید کرد و او را روی صندلی عقب نشاند. متهم دیگر فوراً پشت فرمان نشست و می‌خواست ماشینی را براند، اما طریقه رانندگی و راه انداختن بنز گران‌قیمت را نمی‌دانست. او کمی با ماشینی کلنجار رفت، متهمان آن را راه بیندازد. در ست در همین دقایق بود

قاتل سلاحش را بیرون کشید. برادرم با دیدن این صحنه با به فرار گذاشت و قاتل شروع به تیراندازی کرد اما خوشبختانه هیچ‌یک از گلوله‌ها به برادرم اصابت نکرد. او به بیرون از کارگاه دوید و با فریاد درخواست کمک کرد و همان لحظه صاحب کار گاه رسید و با دیدن کارگر مسلح، او را درگیر شد و وی را خلع سلاح کرد. هم‌زمان برادرم که از این حادثه جان سالم به روی آن نداشتخو بود. او ابراهیم را به بیمارستان منتقل کرد اما متأسفانه وی از آنجا نجات شد و جانش را از دست داد. همکار بهزاد هم پس از دستگیری قاتل، و اعتراف کرد که علاوه بر ابراهیم، بهزاد را هم به قتل رسانده‌است. او مدعی شده که شامگاه ۲۴آبان، وقتی بهزاد از شهرک صنعتی خارج می‌شده، به بهانه اینکه ماشین ندارد، سوار ماشین او شده و در پی راه اولسه املع‌اش را روی سر او گذاشته و وقتی توقف کرده، با شلیک گلوله وی را به قتل رسانده‌است. سپس جسد او را به بیابان برده و در آنجا آتش زده‌است. او پس از قتل بهزاد تصور می‌کرد که هیچ‌کس پی به راز این جنایت نخواهد برد، اما چند روز بعد وقتی برادر بهزاد را در داخل کارگاه دیدم که می‌خواستند فیلم دوربین‌های مدارسته را چک کند، از ترس اینکه دستش رو شود، او را رنیز به ضرب گلوله به قتل رسانده‌است.

انگیزه میهم

در همین حال پدر بهزاد و ابراهیم که این روزها دادگار از دست دادن آپسرش است به همشهری می‌گوید: بهزاد مهندس و کوچک‌تر از ابراهیم بود. او با دوستانش کارگاهی در شهرک صنعتی راه انداخته و در زمینه تعمیر دستگاه‌های صنعتی فعالیت داشته‌است. او ادامه می‌دهد: وقتی بهزاد گم شد، ابراهیم برای درنگ برای پیدا کردن او راهی تهران شد. ابراهیم به تازگی عقد کرده و قرار بود به‌زودی با همسرش زیر یک سقف بروند و زندگی مشترکشان را شروع کنند که این حادثه رخ داد. پدر مقتولان می‌گوید: هنوز معلوم نیست که انگیزه اصلی قتل پسرهایم چیست اما پلیس علاوه بر ۲کارگری که در محل جنایت کار می‌کردند، صاحب کارگاه و یک نفر دیگر را دستگیر کرده و در حال تحقیق روی این پرونده‌است. از طرفی، قاتل اصلی اعتراف کرده که برای ارتکاب این جنایت اجیر شده‌است و حالا منتظریم تا تحقیقات تکمیلی اسرار این پرونده را افشا کند. او همچنین اشاره به اهدای اعضای بدن یکی از پسرانش می‌گوید: بهزاد و ابراهیم هر دو کارت اهدای عضو داشتند. ابراهیم ورزشکار و غازیور بود. به همین دلیل وقتی پزشکان از ما خواستند که اعضای بدنش را اهدا کنیم، با اینکه داغ سنگینی بر دلمان بود، با اهدای عضو موافقت کردیم و چند عضو بدن او به بیماران نیازمندی پیوند زده شد.



چند نفر را که به آنها اتهامینان دارد به گروه اضافه کند. اعضای این شبکه که آنها نیز همگی از ارادل و اوپاش سابقه‌دار بودند در قبال عملی کردن نقشه‌های افسر موساد از دو دستمزد دریافت می‌کردند.

آخر خط

با ادامه بازجویی از نفرات دستگیر شده، اطلاعات تازه‌تری از فعالیت‌های آنها و نقشه‌های سازمان جاسوسی اسرائیل در ایران برما شد و در نهایت ۴نفر از آنها به نام‌های حسین اشرفی اباتان و منوچهر ایمانی محمودآباد، میلاد اشرفی اباتان و منوچهر شهبندی بجندی به جرم همکاری اطلاعاتی با رژیم

دومین شبکه

افسر سازمان جاسوسی اسرائیل علاوه بر این شبکه از ارادل و اوپاش نیز دیگر تیمی را رنیز اجبر کرده بودند. سر شبکه تیم دوم میلاد اشرفی نام داشت که از طریق اینستاگرام با فردی به نام آریا آشنا شده‌بود. با گذشت مدتی از این آشنایی اینستاگرامی آریتا، میلاد را به سیروس که این بار خودش را سیروس معرفی کرده بود مرتب‌با آریا و سیروس ابتدا از میلاد خواست که اقداماتی مثل نشرعنوانی و آتش‌زدن لاستیک‌انجام دهد و در ۴اعدام پرونده زندگی‌شان برای همیشه بسته شد.

که یکی از آنها گفت: سر دسته ما سومین عضو باند است که فراری شده‌است. او با ما دستور داد تا مرد بنزسوار زهر چشم بگیرم و او را گوشمالی بدهیم. وی ادامه داد: سر کرده بانم، مردی به نام مهران است در ترکیه خانه‌ای دارد و به‌خاطر کارش مدام در رفت‌وآمد به ترکیه است. وی زمانی که در ترکیه بود با ما تماس گرفت و دستور آدم‌ربایی داد، ما هم به خاطر پول و دستمزدی که می‌داد قبول کردیم تا نقشه‌ای را که کشیده بود، اجرا کنیم. اما منظر باندین ما تو هم به ایران بیایید و هنگام اجرای نقشه آدم‌ربایی حضور داشته‌باشد. منتم گفت: ما اصلا از انگیزه این مرد خبر نداشتیم و نمی‌دانستیم چرا می‌خواهد جوان بنزسوار را گروگان بگیریم. فقط به فکر گرفتن دستمزدمان بودیم و برای اجرای نقشه‌ای که مهران کشیده بود، به سراغ مرد بنزسوار رفتم. ما می‌دانستیم که اگر در خودرو بسته‌شود نمی‌توانیم آن را ببینیم و برای همین باید او را هنگام سوار شدن به ماشین می‌ربودیم اما خبر نداشتیم که نحوه رانندگی با این ماشین با بقیه ماشین‌ها فرق دارد و نقشه‌مان ناکام خواهد ماند.

براساس این گزارش، ۲ متهم در بازداشت به سر می‌برند و تلاش برای دستگیری سومین عضو باند از سوی کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی پایتخت ادامه دارد.

هم‌شهری

کوتاه از حادثه

بازداشت یک مالخر در پرونده قتل مرد ثروتمند
فرار هولناک متهم از دست پلیس

تحقیقات در پرونده قتل مرد ثروتمند که قربانی دزدان شده بود، به شناسایی یک مالخر سابقه‌دار منجر شد، اما وقتی مأموران برای دستگیری او وارد عمل شدند، اتفاق هولناکی رخ داد. به گزارش همشهری، نوزدهم مرداد امسال به قاضی محمدتقی شعبانی، بازپرس جنایی تهران خبر رسید که مردی در خانه ویلایی خود به قتل رسیده‌است. با دستور بازپرس جنایی، گروهی از کارآگاهان راهی محل حادثه شدند و تحقیقات آغاز شد.
مقتول مردی ۷۵ساله بود که بر اثر خفگی به قتل رسیده و حدود ۴۸ساعت از مرگش می‌گذشت. وی پس از فوت همسرش سال‌ها به تنهایی زندگی می‌کرده و نخستین فردی که با جسد وی مواجه شده بود، دخترش بود که برای دیدن او به خانه پدرش رفته بود. گفته‌های دختر جوان نشان می‌داد که مرد تنها با انگیزه سرقت به قتل رسیده‌است؛ چراکه اثاثیه خانه کاملاً به‌هم ریخته بود و خودروی مقتول و وسایلی مانند تلویزیون، وسایل آنتیک، ظروف نقره، پول، سسکه و دلارهایی که وی در خانه داشت، درز دیده شده بود.

ردپای یک مالخر

در نخستین اقدام شماره پلاک خودروی مقتول که سرقت شده بود، در اختیار همه واحدهای گشتی قرار گرفت تا اینکه ۲روز قبل ماشینی وی در حالی که در یکی از مناطق جنوب پایتخت پارک شده بود، کشف شد.
مأموران راهی محل موردنظر شدند و با انجام تحقیقات میدانی مشخص شد که مردی به نام میثم که در همان خیابان ساکن بود، ماشین را در آنجا پارک کرده و سپس به داخل خانه‌اش رفته‌است. به گفته همسایه‌ها، میثم مردی تپه‌کار و سابقه‌دار بود که افراد خلافکار زیادی به خانه‌اش رفت‌وآمد داشتند. با این سرنخ، بازپرس جنایی دستمزد بازداشت میثم را صادر کرد. این درحالی بود که مأموران متوجه شدند میثم خانه‌اش را پانزدهم آبان کرده و از آنجا اموال سرقتی می‌خرد. مأموران برای دستگیری او با حکم قضایی قدم در خانه‌اش گذاشتند که اپارتمانی در طبقه دوم ساختمان بود اما او به محض دیدن پلیس تصمیم به فرار گرفت و به سمت بالکن رفت. وی خودش را به پایین پر تاب کرد تا فرار کند اما به‌شدت مصدوم و از ناحیه دست و پا دچار شکستگی شد. در ادامه مأموران موفق شدند وی را دستگیر کنند و برای درمان به بیمارستان انتقالش دهند. از سوی دیگر، در بررسی خانه وی، علاوه بر اموالی که از خانه مقتول (بیرمرد ثروتمند) سرقت شده بود، وسایل سرقتی دیگری کشف شد که نشان می‌داد میثم یک مالخر حرفه‌ای است. هم‌اکنون او تنها مظنون در پرونده قتل مرد ثروتمند است و قرار است پس از بهبودی برای تحقیقات منتقل شود.

آزادی دختری که در دفاع از خودش قاتل شد

دختری که در دفاع از خود، پسری جوان را به قتل رسانده و با حکم دادگاه از قصاص رهایی یافته بود، بعد از تحمل ۸سال حبس، آزاد شد. به گزارش همشهری، پرونده این دختر جوان ۲۱ مرداد سال ۹۳ به جریان افتاد. آن روز گزارش مرگ پسری جوان به بازپرس جنایی تهران اعلام شد و به دستور وی تیمی از کارآگاهان جنایی تهران راهی محل حادثه شدند.

بررسی‌ها نشان می‌داد که مقتول، هممان خانه دختری به نام سمانه در یکی از محله‌های غرب تهران بوده و در آنجا با ضربه چاقو به قتل رسیده‌است.

مأموران سراغ سمانه رفتند و او گفت: روز حادثه در حال چیدن اثاثیه در آپارتمانی بودم که به تازگی به آنجا اثاث کشی کرده بودم. آن روز دوستم سارا به کمک آمده بود که پس از گذشت چند ساعت، پسر مورد علاقه‌اش به نام فرهاد در حالی‌که غذا خرده بود، به آنجا آمد. پس از صرف غذا، من به داخل اتاق رفتم تا وسایل آنجا را بچینم. دقایقی بعد صدای مشاجره سارا را شنیدم و بلافاصله راه مشاجره را قطع کردم اما خبر نداشتیم که در این شرایط صبح بیرون متهمان ردیف یک فرهاد را دیدم که با چاقو زخمی شده و خون آلود روی زمین افتاده‌است. من وسارا که ترسیده بودیم فرهاد را به بیمارستان رساندیم اما او جانش را از دست داد.

پس از اظهارات دختر جوان، سارا دستگیر شد و در بازجویی‌ها ادعا کرد که در دفاع از خودش ضربه‌ای به‌دست فرهاد زده و هرگز قصد کشتن او را نداشته‌است. او گفت که شب حادثه فرهاد نیت شومی در سر داشته و او ناچار شده در دفاع از خودش با چاقوی میوه خوری که روی میز بوده، ضربه‌ای به دست فرهاد بزند اما هرگز تصورش را هم نمی‌کرده که همین ضربه به قیمت جان فرهاد تمام‌شود.

این دختر جوان، مدتی بعد در دادگاه کیفری، پای میز محاکمه رفت و اظهارات خود را تکرار کرد و گفت: در دفاع از خودش مرتکب قتل شده‌است. قضات دادگاه نیز پس از آنکه وارد شور شدند، قتل را شبه‌عمد تشخیص دادند و رای برائت سارا از اتهام قتل عمدی را صادر کردند. به این ترتیب متهم از قصاص چرخشت و سیرت بیرونده می‌شود و برای احکام دادرسی جنایی تهران فرستاده شد. سارا به پرداخت دیه و ۳سال و ۴ماه زندان محکوم شده بود و اگر چه دوران محکومیت‌اش را سپری کرده بود، اما توان پرداخت دیه را نداشت و همجنان سابقه‌های زندان اسیری می‌کرد تا اینکه این که تیم صلح و سازش دادرسی جنایی تهران، برای نجات او وارد عمل شدند و سسرانجام با کمک خیرین مبلغ دیه و تهیه مقدمات آزادی سارا از زندان فراهم شد. او دیروز پس از گذشت اس‌سال حبس، از زندان آزاد شد و به آغوش خانواده‌اش برگشت.

